



تبلور شاخصه‌های پایداری و آزادی خواهی

در اشعار سمیح صباغ و قیصر امین‌پور

دانا طالب‌پور(*)

تاریخ دریافت: ۲۰۲۳/۰۳/۲۷

تاریخ پذیرش: ۲۰۲۳/۰۴/۲۸

چکیده

شرایط حاکم بر اوضاع سیاسی- اجتماعی ایران و فلسطین در برهه‌ای از تاریخ معاصر مشترک آنان سبب گردید تا همگرایی گسترده‌ای در موضوعات ادبی آنان رخ دهد؛ به طوری که زبان شعری شاعران آنان، گویای دردها و رنج‌هایی باشد که مردمان‌شان با آنها دست و پنجه نرم می‌کنند. دو شخصیت بارز همگرای ادبیات آنان، سمیح صباغ و قیصر امین‌پور هستند که کوشیدند با طرح مسائل گوناگون، عرق وطن‌دوستی و دفاع از آب و خاک را در افراد ایجاد کنند. پژوهش حاضر، با تکیه بر روش توصیفی- تحلیلی و مکتب ادبیات تطبیقی آمریکا صورت گرفته است. به طوری که رهیافت پژوهش نشان داده است: هر دو شاعر با وجود همه تجربه‌های شکست، درد و رنج، همواره در پی آزادی بوده‌اند. آنها در کنار ادبیات مقاومت به

(*) دانش‌آموخته مقطع دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

d.talebpour@ut.ac.ir

بیان جلوه‌های مقاومت همچون؛ امید به آینده‌ای روشن، تحقیر و سرکوب دشمنان، دعوت به اتحاد و مبارزه و شهادت در راه آزادی‌خواهی روی آوردند، اما گاه به دلیل مسائل سیاسی و اجتماعی خاص حاکم بر جامعه این دو شاعر، تفاوت‌هایی احساس می‌شود؛ به طوری که صباغ بیشتر از مسئله آزادی‌خواهی و رهایی سرزمینش سخن می‌گوید و مجالی برای سرودن درباره آزادی معنوی و رهایی از قید و بند دنیوی ندارد، اما در سروده‌های قیصر هر دو مورد به روشنی آشکار است؛ چرا که او بعد از جنگ فرصتی یافت که به آزادی معنوی و رهایی از تعلقات دنیوی بپردازد. شخصیت‌های شعری صباغ بیشتر قهرمانان ملی فلسطین است؛ ولی شخصیت‌های شعری امین‌پور بیشتر قهرمانان تاریخی و دینی هستند.

واژه‌های کلیدی: آزادی‌خواهی، ادبیات پایداری، سمیح صباغ، قیصر امین‌پور

۱- مقدمه و بیان مسئله

ادبیات آینه تمام‌نمای اندیشه، فرهنگ و تمدن یک ملت است. یکی از شاخه‌های ادبیات، ادبیات پایداری و مقاومت است. در این نوع، شاعر و یا نویسنده سعی دارد تمامی وقایع زمان حال خود را از جمله بی‌عدالتی، جنگ، خونریزی، تهاجم بیگانگان، ظلم و ستم را در قالب شعر یا نثر به جهانیان بنمایاند و سعی دارد با واکنشی غیر ارادی در برابر تهاجم بایستد. در واقع ادبیات مقاومت محصول شرایط اجتماعی و سیاسی و حتی روانی خاص یک ادیب است که طبق نوع نگرش آن ادیب در شعرها، رمان‌ها و اسطوره‌ها نمایان می‌شود. این نوع از ادبیات در هر کشوری با توجه به شرایط موجود، ویژگی‌های منحصر به فردی در مضامین دارد که ممکن است با برخی از مضامین دیگر ملل متفاوت باشد؛ اما با توجه به اینکه هدف و عوامل شکل‌گیری این نوع ادبیات در بین اکثر ملت‌ها مشترک است، بدیهی است در این زمینه شاهد همانندی‌های زیادی میان ادبیات ملت‌های گوناگون باشیم و همین امر راه را برای پژوهش‌های تطبیقی میان ادب پایداری ملل هموار می‌نماید. عباس خضر ناقد و

ادیب عراقی، مهمترین عوامل شکل‌گیری ادبیات پایداری را استعمار و استثمار قدیم و جدید، غصب قدرت و سرزمین، تجاوز به ارزش‌های دینی، ملی، تاریخی و فرهنگی و نیز سلب آزادی‌های فردی و اجتماعی می‌داند (ر. ک: خضر، ۱۹۶۸م، ص ۴۵-۵۰). در این نوع شعر، شاعر یا نویسنده سعی دارد تمامی وقایع زمان حال خود، از جمله بی‌عدالتی، جنگ، خونریزی، تهاجم بیگانگان، ظلم و ستم را در قالب شعر یا نثر به جهانیان بنمایاند و سعی دارد با واکنشی غیرارادی در برابر تهاجم بایستد. به‌راستی ادبیات مقاومت محصول شرایط اجتماعی و سیاسی و حتی روانی خاص یک ادیب است که طبق نوع نگرش آن ادیب در شعرها، رمان‌ها و اسطوره‌ها نمایان می‌شود. البته برداشت هر ادیبی از مقاومت و پایداری تا اندازه‌ای یکسان است؛ زیرا همگان بر این امر که شاهراه آزادی، مقاومت می‌باشد، اتفاق نظر دارند. «نکته‌ای که در این گونه آثار حائز اهمیت به نظر می‌رسد این است که نویسنده فقط به دنبال تصویر ظاهر امور و شخصیت‌ها نباشد، بلکه به بیان ریشه‌های اساسی مقاومت و پایداری و اهداف آن نیز بپردازد. شکری عزیز ماضی معتقد است نویسنده‌ای که در حوزه مقاومت و انتفاضه قلم می‌زند، باید در کنار آگاهی نسبت به مسائل اجتماعی، مسائل فنی روایت‌پردازی را به خوبی بشناسد و مفهوم کلی ادبیات و داستان‌پردازی و فلسفه و وظیفه خاص آن را درک کرده باشد.» (عبیات، ۲۰۲۲م: ۱۱۸-۱۱۹). در این بین، مضامین و مفاهیم زیادی وارد ادبیات مقاومت فارسی و عربی گردیده‌است که تا حدود زیادی به جنگ‌های اخیر جهان بازمی‌گردد. توجه ادیبان مقاومت به زندگی و آرمان ملت‌های جنگ‌زده سبب حضور مضامینی در شعر گردیده‌است که به نوعی با حقوق ذاتی انسان مرتبط است و این همان نوعی است که شاعر مقاومت در وجود مردم خود قرار داده و تا پیشبرد اهداف خود بر جای نمی‌نشیند. حال اگر بخواهیم محور مقاومت را بین دو ملت مورد بررسی قرار دهیم، وارد ادبیات تطبیقی شده‌ایم.

۱-۱- اهمیت و ضرورت پژوهش

شناخت تأثیرات ادبیات پایداری روی ادبیات فارسی و عربی در اشعار دو شاعر و شناساندن سلحشوری‌های مردمان دو سرزمین در جریان‌های ادبی، یک منبع مناسبی در اختیار دوستداران و پژوهشگران ادبیات پایداری به شمار می‌رود و انجام پژوهش‌های این‌چنین، می‌تواند تلاشی مؤثر در جهت بررسی مصداق‌های مشابه و تبیین تفاوت‌هایی در اشعار این دو شاعر باشد تا در کنار آن با مقایسه دو ادب فارسی و عربی نتایج قابل تأملی را نمایان‌سازد.

آنچه این مقاله را با دیگر مقالات متمایز می‌گرداند، گونه‌ای از جلوه‌های مقاومت و آزادی است که هر کدام در قالب چند واژه، سعی در شناساندن اشعار مقاومت‌خواهی و آزادی‌خواهی این دو شاعر مقاومت در اذهان خوانندگان دارد؛ چرا که هرکدام از این نوع جلوه‌ها در تلاش هستند تا به مخاطب بگویند اساس دستیابی به آزادی در گرو این نوع جلوه‌های آزادی است که این دو شاعر به صورت مشترک سعی در تبیین آن در اشعار خود نموده‌اند. همین امر سبب نوآوری این مقاله شده‌است.

۱-۲- سؤالات پژوهش

- ۱- جلوه‌های مقاومت و آزادی‌خواهی در اشعار این دو شاعر چگونه بروز یافته‌است؟
- ۲- میزان قرابت و تنگاتنگی و نیز تفاوت اندیشه‌های این دو شاعر در به‌کارگیری جلوه‌های مقاومت و آزادی‌خواهی تا چه اندازه‌ای است؟

۱-۳- فرضیه‌های پژوهش

- ۱- جلوه‌های مقاومت و آزادی‌خواهی در اشعار این دو شاعر با برداشت‌های مختلفی همچون؛ امید به آینده‌ای روشن، سرکوب و تحقیر کردن دشمنان، دعوت به وحدت و مبارزه و ستایش شهادت در راه آزادی همراه است.

۲- با توجه به مضمون‌های شعری و نیز اهداف این دو شاعر، باید عنوان نمود این دو شاعر روحیه غالباً مشترکی دارند که سبب قرابت اندیشه آنها گردیده است، البته گاهی به دلیل شرایط سیاسی و اجتماعی خاص حاکم بر جامعه این دو شاعر، تفاوت‌هایی در نوع اندیشه آنها دیده می‌شود.

۱-۴- پیدشینه پژوهش

در ارتباط با دو ادیب مورد بحث، بر اساس تحقیقات صورت گرفته، تاکنون تحقیقاتی کمابیش صورت گرفته است که هدف از آنها تبیین چهره دردمند آنها در واکنش به مسائل سیاسی و اجتماعی جامعه و مقاومت در برابر چهره‌های ظالم و بیدادگران داخلی و خارجی زمانه خود است که روحیه بیداری و آگاهی را در میان مردم زمانه خود ترویج می‌دهد و آنها را به شورش فرامی‌خواند:

در مورد قیصر امین‌پور و سمیح صباغ تاکنون پژوهش‌هایی در سطح کتاب، پایان‌نامه و مقاله انجام گرفته است که به شکل جزئی به موضوع این مقاله در آن اشاره شده است که به مهمترین آنها در زیر اشاره می‌شود:

۱- مقاله‌ای با عنوان «آزادی در سروده‌های قیصر امین‌پور» (۱۳۸۷ش)، نوشته زین‌العابدین درگاهی که در ماهنامه کتاب ماه ادبیات به چاپ رسیده است و در آن آزادی انسان در مفهوم اجتماعی، همراه با نمونه‌هایی از اشعار این شاعر مورد بررسی قرار گرفته است.

۲- پایان‌نامه‌ای با عنوان «ادبیات مقاومت ایران و فلسطین در شعر محمود درویش و قیصر امین‌پور» (۱۳۸۸ش)، که توسط فاطمه بختیاری در دانشگاه الزهراء (س) به نگارش درآمده است. در این پژوهش مؤلفه‌های مشترک و متفاوت ادبیات مقاومت در شعر این دو شاعر پرداخته شده است. از جمله این مؤلفه‌ها عبارتند از: عزت، پایداری و تشویق به مقاومت، امید به پیروزی، شهادت و مضامین آن، وطن، نقش شاعر در بیداری عقلی و دیدگاه آنها درباره رهبری.

۳- مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی ادبیات مقاومت در اشعار محمود درویش و قیصر امین‌پور» (۱۳۹۳ش)، به نوشته ناصر ناصری و فریبا ساعی‌پور که در فصلنامه بهارستان سخن به چاپ رسیده است. نویسندگان در این پژوهش ابتدا تعریفی از ادبیات مقاومت ارائه می‌دهند و در ادامه به بررسی تطبیقی موضوعاتی همچون؛ وطن‌دوستی، شهادت‌طلبی، بیان استقامت و دلیری رزمندگان، فقر و محرومیت و نیز انتقام‌جویی از دشمنان می‌پردازند.

۴- مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی ژرف اندیشی در شعر محمود درویش و قیصر امین‌پور» (۱۳۹۰ش)، نوشته کبری روشنفکر و کبری ذوالفقاری که در (کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی) شماره ۲ به چاپ رسیده است. در این تحقیق نویسنده پدیده مرگ و زندگی در اشعار این دو شاعر مورد بررسی قرار داده و در پایان به این نتیجه دست یافته است که اشعار تأملی درویش بیشتر زورآزمایی با مرگ و سؤال از ذات را در بر می‌گیرد؛ اما دغدغه قیصر در تأملات درونی، بازگشت به خویشتن و پرسش‌های حیرت‌انگیز و بی‌پاسخ درباره هستی است.

۵- «ادبیات پایداری و بازتاب آن در شعر سمیح صباغ»، اثر نسرین مسگری (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی: ۱۳۹۲ش). در این تحقیق نویسنده پس از اشاره‌ای کوتاه به سیر تاریخی ادبیات پایداری در ادب عربی و معرفی جوانب مختلف زندگی شاعر، به بررسی و کشف مهمترین مضامین ادبیات پایداری در اشعار شاعر و سبک شعری او پرداخته است.

اما تاکنون هیچ تحقیق مستقلی با رویکرد تطبیقی مضامین پایداری و آزادی‌خواهی در اشعار آنها؛ چه به صورت پایان‌نامه و یا مقاله صورت نگرفته است و بر این اساس تحقیقی نو به حساب می‌آید.

۱-۰- روش پژوهش

این پژوهش سعی دارد با روش توصیفی - تحلیلی، به تحلیل بیت‌ها، قصاید و قطعه‌های مرتبط با جلوه‌های مقاومت و آزادی‌خواهی در اشعار سمیع صباغ و قیصر امین‌پور به صورت تطبیقی بپردازد. تحقیق در این باب بر اساس مکتب شناخته شده آمریکایی است؛ زیرا روش و اساس این مکتب، نقد مستقیم و بی‌واسطه ادبیات بدون تکیه بر آثار ادبی خاص و پس‌زمینه تاریخی آنها است. (شرکت مقدم، ۱۳۸۸ش، ص ۶۲) برخلاف مکتب تطبیقی فرانسوی، در این مکتب بر این اصل تأکید می‌شود که برخی شباهت‌های بین آثار ادبی، برگرفته از روح مشترک همه انسان‌هاست. (پاژو، ۱۹۹۴ش، ص ۱۲). در این مکتب، معیار انتخاب، ملیت و فرهنگ است، نه صرفاً زبان (شرکت مقدم، ۱۳۸۸ش: ۶۵). آنچه در این مکتب اصالت دارد، اصل تشابه و همانندی است. (رک. عبود، ۱۹۹۹م، ص ۱۱۷ و علوش، ۱۹۸۷م، ص ۹۳). این مکتب بیشتر بر آن است که ادبیات به‌عنوان پدیده جهانی و در ارتباط با سایر شاخه‌های دانش بشری و هنرهای زیبا معرفی شود. (شرکت مقدم، ۱۳۸۸ش، ۶۲-۶۴). از رهگذر این امر، محقق به دنبال ارتباط تاریخی نیست و مجبور نیست میان ادبیات دو ملتی تحقیق کند که زبان مشترکی داشته باشند، بلکه با تحلیل شواهد درون متنی قصد دارد به نتایج قابل تأملی دست‌یابد.

۲- بحث

پرداختن به بررسی تطبیقی جلوه‌های مقاومت و آزادی‌خواهی در شعر مقاومت نمایندگان ملت فلسطین و ایران باعث می‌شود تا میزان قرابت اندیشه این دو شاعر به وضوح آشکار گردد. یکی از مسائل دنیای کنونی در عرصه بین‌المللی مسأله فلسطین و اشغال آن است. جنگ تحمیلی ایران از سوی عراق نیز به نوبه خود در چند دهه اخیر در محافل بین‌المللی مطرح‌بوده‌است. بنابراین بیان فرهنگ مبارزه دو کشور در راه آزادی، گامی به‌سوی پیشبرد ادبیات دو ملت محسوب می‌شود.

جلوه‌های مقاومت و آزادی‌خواهی در اشعار صباغ و قیصر با موضوعاتی چون؛ ستایش شهادت در راه آزادی، سرکوب و تحقیر دشمنان، دعوت به وحدت و مبارزه، امید به آینده‌ای روشن، بروز یافته‌است که در ادامه، هر یک از این موضوعات مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۲- ستایش شهادت در راه آزادی

تاریخ گواهی می‌دهد که هیچ ملتی، چه در گذشته و چه امروز از جنگ در امان نبوده‌است. ستایش رشادت‌های این انسان‌های گرانقدر در شعر پایداری، در حقیقت نمود فرهنگ سپاسگزاری از آنهاست. مبارزان در راه دفاع از سرزمین و ثابت‌قدم ماندن در این مسیر نیازمند تشویق و انگیزش درونی خود هستند. شعری که «نتواند چراغی از خانه‌ای به خانه‌ای دیگر حمل کند، شعر بی‌طعم و بی‌رنگ و بویی است» (درویش، ۱۹۶۴م، ص ۹۳). شعر صباغ همواره با سرزمین مادری‌اش گره‌خورده‌است او با سروده‌های خود قلب و روح هر مبارز فلسطینی را تسخیر کرد و سبب‌گردید اندیشه شهادت‌طلبی در بسیاری از فلسطینیان رشد و نمو پیدا کند. وی در ستایش از مبارزان و نیروهای مقاومت، به بیان شخصیت‌ها و قهرمانان می‌پردازد و همواره در اشعارش آنان را موجب سربلندی سرزمین دانسته و مدح می‌کند: «يا رُفَقَاءَ الدَّرْبِ وَأَنْتُمْ / رُسُلُ الْوَطَنِ إِلَى كُلِّ الْأُمَّمِ / وَكُلُّ بِقَاعِ الْأَرْضِ / وَأَنْتُمْ أَنْصَارُ جَمِيعِ الْمَظْلُومِينَ / وَأَوْفَى رُفَقَاءِ وَقْتِ الْمِحْنَةِ وَالصِّيقِ» (صباغ، ۱۹۹۲م، ج ۴، ص ۲۲۳).

در شعر زیر شاعر بعد از شهادت بزرگ‌مردانی از فلسطین بیان می‌دارد، شهیدان زنده هستند و باید همه در راه آنان قدم‌نهادد و به مبارزه ادامه‌دهند؛ چراکه جانشان را در راه دفاع از وطن فدا کرده‌اند. این مطلب نشان‌دهنده این است که در ضمیر شاعر نوعی اعتقاد به جاودانگی وجود دارد که نشان می‌دهد حق و عدالت هرگز نمی‌میرند و جاودانه و همیشگی هستند، در واقع مرگ در راه رسیدن به هدف، نوعی تولد دوباره است. شهیدان زنده‌اند و هرگز نمی‌میرند در اینجا تلمیح

به آیه ۱۶۹ سوره آل عمران: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾ وجود دارد. یعنی شهدا زنده‌اند و نزد پروردگارشان متنعم‌اند و با شهادتشان دین خدا را یاری کردند: «دِماءُ إِخْوَتِنَا الشُّهَدَا تَصِيحُ / إِيَّيْ أَسْمَعُهَا صِيحَاتِ الْقَهْرِ / مَا ضَاعَتْ، مَا اندفنتُ / إِيَّيْ أَشْهَدُهَا تَدْخُلُ كُلَّ قَرَانَا / عاصِفَةً كَالرَّيْحِ.. / تُوقِظُنَا / وَتُطَارِدُ كُلَّ السَّفَاحِينِ / يَا أرواحَ الشُّهَدَاءِ الأَبْرارِ / يَا أرواحاً ما انطَفَأَتْ / سَكَنْتَ فِي أجسادٍ أُخْرَى / سَكَنْتَ فِيكَ وَفِي» (صباغ، ۱۹۹۲، ج ۳، ص ۱۵۹).

در ابیات زیر سمیح درباره یکی از شهدای فلسطین به نام «احمد مصری» سخن می‌گوید. شهید روح و جانش را فدای کند تا زندگی دوباره را برای دیگران تضمین کند. در این قصیده شاعر با تصاویری شاعرانه و زیبا صحنه شهادت او را به تصویر کشیده است؛ تصاویری که همگی گواه بر بزرگی و عظمت شهید است: «یا أَحْمَدُ ما جِئْنَا نَبْكِيكُ / يا أَحْمَدُ انْهَضْ وَاشْهَدْ / لَسْتَ الآنَ وَحِيداً، لَسْتَ الآنَ بِأَعزَلِ / هذِي الأَلافُ هُنَا مِنْ شَعْبِكَ حَوْلَكَ حِقْداً تَتَجَجَّرُ / هذِي الأَلافُ أَقْوَى مِنْ كُلِّ بِنادِقِهِمْ / أَقْوَى مِنْ كُلِّ عِصِيِّ البُوليسِ الفاشي وَآلاتِ التَّدْمِيرِ / يا أَحْمَدُ هَلْ تَسْمَعُنِي؟ إِيَّيْ أَلْمَحُ أَعْضاءَكَ تَتَمَلَّمُ مُنْذُ الآنَ / إِيَّيْ أُبْصِرُها فِي رَحِمِ نِساءِ قَرانَا / إِيَّيْ أُبْصِرُها فِي صُلْبِ جَميعِ رِجالِ المُسْتَقْبَلِ / وَأنا إِيَّيْ سَوَفَ أراها / بَعْدَ شُهُورٍ أَوْ بَعْدَ سِنينِ / عَلَيَّ هَيْئَةَ أَطفالِ نُوارٍ» (صباغ، ۱۹۹۲، ج ۴، ص ۳۰۷-۳۰۸).

همان طوری که می‌بینیم صباغ معتقد است انسان برای رسیدن به آزادی باید هم‌چون مجاهدان پا به عرصه‌های میدان نبرد بگذارد و تمامی سختی‌ها از جمله فرود آمدن غم و اندوه، دور شدن از خانواده و اسارت، به زنجیر کشیده شدن و حتی به شهادت رسیدن را به جان بخرد.

«در فرهنگ اسلامی- ایرانی نیز شهید جایگاهی بسیار والا و با عظمت دارد و اشعار بسیاری درباره رشادت و فداکاری آنان، در ادبیات دفاع مقدس دیده می‌شود. شهادت در سروده‌های جنگ هم شکوهمند و حماسی و عارفانه و جامعه‌ساز است و هم حسرت‌آفرین» (سنگری، ۱۳۸۰: ۱۵۴). یکی از شاخص‌ترین مضامین شعر

انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، شهادت و شهادت‌طلبی است که بخشی از عالی‌ترین مفاهیم شعر انقلاب را روحی سرخ و مقدس بخشیده‌است.

«امین‌پور و همه شاعران دفاع مقدس، آزادی سرزمین خود را مدیون سلحشورانی می‌دانند که از جان و مال خود گذشتند تا مردم کشورشان به پشتوانه از خودگذشتگی و ایثار فرزندان غیور و رشیدشان بتوانند در هوای پاک آزادی، سرود رهایی، ایمان، اخلاص ناب، باورها و اعتقادات درونی را سر دهند» (رحیمیان، ۱۳۸۸ش، ص ۸۵).
 قیصر در بستر آموزه‌های اسلامی به شعر و ادب فارسی روی آورد و سروده‌های شهادت‌طلبی در راه آزادی را تحت تأثیر تعالیم ارزشمند قرآن سروده‌است. او در یکی از شعرهای خود، شهادت در راه آزادی را این‌گونه به مخاطب القا می‌کند: «شهیدان را به نور آب شوییم / درون چشمه مهتاب شوییم / شهیدان همچون آب چشمه پاک‌اند / شگفتا آب را با آب شوییم» (امین‌پور، ۱۳۶۳ش، ص ۹۹).

شاعر در این ابیات شهیدان را پاک و مطهر جلوه می‌دهد و عنوان می‌کند آنها به قدری پاک هستند که نیازی به غسل با آب ندارند. شاعر شهادت را کمال حقیقت انسانی بیان می‌کند تا این‌گونه ملت‌ها را به شهادت‌طلبی برانگیزد. امین‌پور در شعرهای خود برای ایجاد انگیزه فدایی در راه سرزمین و اسلام، از شخصیت‌های اسطوره‌ای همچون امام حسین (ع) بهره می‌گیرد. «هدف او از فراخوانی این شخصیت فقط بیان شباهت‌ها و شهادت‌طلبی است» (السلیمانی، ۲۰۰۷م، ص ۲۹).
 قیصر قصد دارد به جوامع و ملت‌های مسلمان آزادی‌خواه بنمایاند که امام حسین (ع) با آن همه عظمت و شکوهش برای دستیابی به آزادی، شهادت را برگزیدند. پس ای مسلمان تو هم شهادت را برگزین که شایسته توست. او در شعر «نی‌نامه» این‌گونه به بیان فدایی در راه آزادی سرزمین و اسلام می‌پردازد:

«سرش بر نی، تنش در قعر گودال / ادب را گه الف گردید گه دال / سری بر نیزه‌ای منزل به منزل / به همراهش هزاران کاروان دل / ... سزد گر چشم‌ها در خون نشیند / چو دریا را به روی نیزه بیند / شگفتا بی‌سروسامانی عشق! / به روی نیزه

سرگردانی عشق» (امین‌پور، ۱۳۸۸ ش، ص ۱۶۷-۱۶۶).

شاعر در این چکامه ابتدا واقعه شهادت امام حسین (ع) را بازگو می‌کند. او امام عاشورا را جلوه‌گاه همه شهادت‌ها، آزادی‌ها و مظلومیت‌ها قرار می‌دهد تا خواننده را با تأثیرپذیری از فرهنگ عاشورایی و کربلا به ایثار و فداکاری دعوت نماید. شاعر، شهادت را عشقی می‌داند که تمنای دل همه رزمندگان اسلام است. امین‌پور با تخیل قوی، عاطفه سرشار، زبانی پیراسته و پخته سعی دارد سروده‌های شهادت‌طلبی را به ملت‌های آزاده القا نماید.

صباغ و قیصر به صورت مشترک شهادت‌طلبی در راه آزادی را یکی از مضامین شعر خود برگزیدند تا با هنر شاعری خود، ملت‌های در بند را به ادامه مبارزه دعوت نماید؛ زیرا شهادت‌طلبی ضامن دستیابی به آزادی است، هر دو شاعر، شهیدان را نمونه‌های انسانی‌های پاک و بی‌آلایش می‌دانند. به اعتقاد صباغ خون هر شهید سرآغاز هر نوع قیام و بیداری است که به دست کودکان وطن در آینده رقم می‌خورد؛ اما تفاوتی که در محور این موضوع در اشعار آنها شاهد هستیم این است که شخصیت‌های صباغ بیشتر پیرامون قهرمانان ملی فلسطین دور می‌زند و کمتر شاهد به‌کارگیری اسطوره‌های تاریخی و جهانی هستیم؛ اما قیصر برخلاف وی در راه برجسته‌ساختن این مضمون بیشتر از شخصیت‌های اسطوره‌ای و نمادین بهره گرفته است؛ ولی روی هم رفته هر دو شاعر در مسیر تحرک‌بخشی، اعتلای شخصیت‌های ملی و وصف رشادت‌های آنان به طرز برجسته‌ای عمل کرده‌اند و این موضوع را می‌توان در جوشش عاطفی نهفته در انسجام الفاظ و تراکیب شعری بخوبی مشاهده کرد.

۲-۲- تحقیر و سرکوب دشمنان

در بسیاری از شعرهای شاعران مقاومت، تحقیر دشمنان متجاوز دیده می‌شود. صباغ و امین‌پور گاه با نمادهایی چون؛ کرکس، کلاغ، گرگ، جلا، دزد و خفاش از

دشمن خارجی نام می‌برند و سعی در تحقیر دشمنان در اذهان عمومی دارند. سَمِیح صباغ برای بیان مفاهیم پایداری از اسلوب‌های گوناگونی بهره‌می‌گیرد. یکی از این اسلوب‌ها، به‌کارگیری نماد در اعتراض علیه استعمار و ظلم حاکمان در جامعه است که باعث برجستگی شعری وی می‌شود؛ چرا که نماد یکی از مضامین مهم پایداری است که در فضای اندیشه شاعر ظهور پیدا می‌کند و بعد از آن کارکرد فرهنگی خود را در میان مخاطبان، تثبیت می‌کند.

«با استفاده از نمادگرایی، عقیده‌ای که ممکن است ظاهری یکنواخت و تکراری داشته باشد، به قطری تازه با بار معنایی بسیار مؤثر و زنده تبدیل می‌شود، علاوه بر آن، نماد می‌تواند نقش‌های مختلفی را در شعر، داشته باشد» (سلیمان، ۱۳۷۶ ش، ص ۱۷۶-۱۷۷). وی در شعر «کتابه علی جدران الوطن» استعمارگران را با لفظ «ذئاب» خطاب می‌کند و چنین می‌گوید:

«قِطْعَانُ ذَنَابٍ سَائِبَةٍ فَوْقَ سُهُولٍ مِنْ عَسَلٍ وَحَلِيبٍ / بَيْنَ كِرْمِ الْكَنْعَانِينَ / تُصَارِعُ رَبَّ الزَّيْتُونِ، وَرَبَّ الْعَسْكَرِ يَحْمِيهَا وَالْقَانُونَ» (صباغ، ۱۹۹۲ م، ج ۴، ص ۲۳۶).

و در جایی دیگر از نمادهای طبیعی مانند: «ریح: باد»، «أمواج: موج‌ها» و «بحار: دریاها» و «لصوص: دزدان» برای توصیف دشمنان و اشغالگران و «ملاح: کشتی‌بان» برای توصیف رهبران استفاده می‌کند:

«الرَّيْحُ وَالْأَمْوَاجُ تَعْصِفُ بِالسَّفِينَةِ / وَاللُّصُوفُ مِنْ كُلِّ نَاحِيَةٍ هُنَا! / لَمْ يَبْقَ لِلْمَلَّاحِ غَيْرُ حُطَامٍ ضَارِيَةٍ / وَزَنْدٍ مَرَهَقَةٍ / لَمْ يَبْقَ لِلْمَلَّاحِ غَيْرُ الْمَوْتِ فِي قَاعِ الْبِحَارِ / طَعَامُ أَسْمَاكِ الْبِحَارِ» (صباغ، ۱۹۹۲ م، ج ۴، ص ۲۵۲).

کاربرد این واژه بیانگر این موضوع است که استعمار با آزادی تمام در حال رقص است و وی از آن به خشم می‌آید تا مردم کشور فلسطین را از خواب غفلت بیدار کند و آنها را بر ضد استعمارگران تشویق نماید؛ زیرا یک هنرمند باید به‌عنوان وجدان بیدار جامعه‌اش، آزادانه در برابر رواج فساد و بی‌عدالتی‌ها ایستادگی کند و تمام توان خود را صرف مبارزه با آنها و بیدار کردن ملتش کند.

امین‌پور در یکی از سروده‌هایش از مجموعه «تنفس صبح»، با تحقیر کردن دشمنان هول و هراسی به دل آنها می‌افکند. او دشمن را تهدید می‌کند که به شکست نزدیک است و ما به‌زودی به آزادی دست خواهیم یافت:

«از ره رسیده‌ایم / با قامتی به قصد شکستن / ما را سر شکستن بت‌هاست / لات و منات را که شکستیم / عزی دگر عزیز نمی‌ماند / ما از جنس پینه کفش به پا داریم / هر چند / این کفش‌های کهنه ما درد می‌کند / اما / با کفش‌های خستگی خود / از ره رسیده‌ایم / آهنگمان شکستِ بتی دیگر / بر دوشمان تبر / میراث باستانی ابراهیم است» (امین‌پور، ۱۳۶۴ ش، ص ۲۴-۲۳).

شاعر خود و هم‌وطنانش را مقتدر و نیرومند جلوه می‌دهد که شکستن بت‌ها را از ابراهیم (ع) به ارث برده‌اند. قیصر با این ابیات عنوان می‌کند او یکتاپرستی است که دشمنان غاصب را از هم فرو می‌پاشاند. در اینجا «لات» و «منات»، رژیم بعث عراق و هم‌پیمانان او هستند که جنگ هشت‌ساله را بر او تحمیل کردند. او در ادامه می‌گوید: هرچند دست‌خالی هستیم و سلاحمان در این جنگ محدود است، اما باز هم در میدان نبرد با کفش‌های پینه‌بسته حضور می‌یابیم تا از میراث باستانی سرزمینمان دفاع کنیم. قیصر بت‌های دوره جاهلیت را نمادی از دشمنان متجاوز سرزمینش قرار می‌دهد تا با این نسبت دشمنان متجاوز را تحقیر نماید. از آنجا که قیصر همراه شاعران در جبهه حضور یافت و با ادراکِ جبهه از جبهه گفت. «شعری برای جنگ از مشهورترین سروده‌های او و سروده‌های دفاع مقدس است» (سنگری، ۱۳۸۹ ش، ص ۱۱۴).

«خفاش‌های وحشی دشمن / حتی ز نور روزنه بیزارند / باید تمام پنجره‌ها را / با پرده‌های کور بپوشانیم / اینجا / دیوار هم / دیگر پناه پشت کسی نیست / کاین گور دیگری است که استاده‌است / در انتظار شب / دیگر ستارگان را / حتی / هیچ اعتماد نیست / شاید ستاره‌ها شبگردهای دشمن باشند» (امین‌پور، ۱۳۹۴ ش، ص ۱۴۱-۱۴۰).

او در این اشعار ابتدا از وضعیت جنگ آن دوران سخن می‌گوید و دشمنان صهیونیست را به خفاش‌های وحشی تشبیه می‌کند که آرامش را از سرزمینش ربوده‌اند و از نورهای آزادی و رهایی بیزار هستند و همواره شب سیاه و تیره را می‌پرستند. شاعر با این ابیات مزدوران عراقی را تحقیر نموده‌است. او در ادامه از دیوارهایی سخن می‌گوید که در واقع همسایگان سرزمینش هستند، اما اعتمادی به آنها نمی‌رود. او حتی ستاره‌ها را جاسوسان دشمن تلقی می‌کند. قیصر با این ابیات سعی در تحقیر دشمنان و همسایگانش دارد که این جنگ را پدید آورده‌اند و در این وادی با یکدیگر هم‌دست شده‌اند. شعر مقاومت قیصر، زبان دردها و مظلومیت مردمانی است که قربانی تجاوز رژیم بعث عراق شده‌اند. وی برای تحقیر دشمن و زشت جلوه دادن تبعات جنگ بر ملت‌ها از زبانی ساده و گاه نمادین بهره‌برده‌است. این تحقیر در اشعار شاعر مقاومت، در برابر دشمنان متجاوز بیرونی است که به سرزمین مادری‌شان تجاوز نموده‌اند؛ زیرا از ویژگی‌های شاعر مقاومت این است که از هر مضمون شعری برای آزادی سرزمینش بهره‌جوید. سمیح صباغ و امین‌پور در این راه نمونه‌ای موفق از شاعران پایداری معاصر ایران هستند که اشعار تندشان علیه استعمارگران زبانزد ادیبان و نویسندگان شده‌است. هر دو شاعر پیام‌رسان دغدغه‌های ملت خویش و مفسر دلهره‌هایی هستند که در وجودشان می‌جوشد. گسترش و پیچیدگی روزافزون پدیده شوم استعمار از یک‌سو و لزوم افزایش آگاهی توده‌ها در جهت مبارزه با آن از سوی دیگر از جمله مسائل بسیار مهمی است که ذهن امین‌پور را مانند شاعران نوگرا به خود مشغول داشته است، اما زبان امین‌پور برخلاف صباغ، حماسی‌تر و تحریک‌برانگیزتر است؛ علاوه بر این موضوع، در شعر امین‌پور، بهره‌گیری از نمادهای تاریخی و دینی در ترسیم جلوه‌های مبارزه علیه بیداد و استبداد زمانه در مقایسه با شعر صباغ، نمود بیشتری دارد و شاعر با به‌کارگیری و ترسیم ذهنی حوادث پیرامون آنها، انگیزه مردم برای قیام و مبارزه با استبداد زمانه را بیشتر تقویت می‌کند.

۳-۲- دعوت به وحدت و مبارزه

یکی از مضامین شعر شاعران مقاومت دعوت ملّت‌ها به وحدت و مبارزه است. مسئله وحدت و حس برادری نسبت به هم‌نوع در ادبیات معاصر اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چرا که «برخورد با غرب، مشکلات بسیاری در زمینه اخلاقی و فضیلت‌های انسانی ایجاد کرده است و این امر اهل فن و ادب را بر آن داشت تا در اشعارشان به موضوع وحدت بپردازند تا انسان‌دوستی را بین انسان‌ها ایجاد کنند، هم‌چنین به یاری مظلومان بشتابند و ارزش و منزلت انسان را در جامعه بالا ببرند» (حطیط، ۱۹۹۹م، ص ۴۹۶).

ملت‌های متمدن، از جمله فلسطین و ایران هیچ‌گاه در برابر تجاوز بیگانگان و دشمنان خارجی سر فرود نیاوردند و به مبارزه ادامه دادند، هر چند سلاح‌های مبارزه این دو ملت با دشمنانشان علاوه بر سلاح‌های جنگی متعارف، سلاحی است که قلم عهده‌دار آن است، یعنی سلاح شعر و داستان مقاومت.

ادبای فلسطین و ایران؛ به‌ویژه شاعران در ایجاد فضای مبارزه سهم بسزایی داشته‌اند. بسیاری از شعرهای شاعران مقاومت، حضور جهانی یافته است. کشورهای عربی تحت اشغال، در بسیاری از موارد از سروده‌های سمیح صباغ برای ادامه مبارزه بهره‌می‌گیرند؛ زیرا اشعار صباغ از قدمت و استحکام شعری برخوردار است و روح استعمار ستیزی در آن موج می‌زند. وی با نگرش مثبت و انقلابی در پی آن است که همت‌ها را برانگیزد؛ چرا که ادبیات پایداری، «مقابله با همه اشکال استعمار و ظلم است که در آن، سخن در جایگاه سلاح و تفنگ قرار می‌گیرد و این در حالی است که تأثیر سلاح و تفنگ محدود به عرصه جنگ است؛ اما تأثیر سخن ادبیات پایداری، پیوسته ادامه دارد» (الحسین، ۱۹۷۲م، ص ۱۲).

«عصر اصلی ادبیات مقاومت همانا توده مردم است و شناخت ادبیات مقاومت، بی‌وجود این عنصر امکان‌پذیر نخواهد بود» (بهبودی، ۱۳۷۳: ۷۸). در اشعار سمیح صباغ نمونه‌های فراوانی می‌بینیم که در آن به بیداری و ایستادگی در برابر ظلم

دعوت می‌کند از آن جمله، ابیات زیر است: «یا شعبي یا شعباً أعزل إلا / من سكين الكلمة والصرخة والوعي القاهر... / أنا قبلة يدوية في وجه الغازين القتلة / أعداء الإنسان و أعداء الحريه / وانهض من عتمة أحزانك.. / فارفع في وجه الأعداء ذراعيك / فارفع يا شعبي ارفع قبضتك الفولاذية / مطرقة في وجه الجزار / هذي الأرض براكين غضب / هذي الأرض جهنم حمراء والأعداء حطب / من يحلم أن يبني مستوطنة، بيتا / فوق ترابي / أجعله تحت ترابي» (همان، ص ۱۶۰).

در ابیات بالا همان‌گونه که مشخص است، سمیح می‌خواهد علیرغم پذیرفتن واقعیت‌های موجود توسط افراد جامعه، سرنوشت آینده را خودشان رقم بزنند و تاریخ آینده را خودشان بسازند و این نگرش مثبت را به ملت خود نیز انتقال دهند. این عشق به وطن نه تنها سرزنش شده نیست، بلکه نشانه‌ای از غیرت و عزم انسان به زادگاه خویش است.

بی‌شک یکی از اهدافی که صباغ دنبال می‌کند، فریاد عدالت‌خواهی و دادگری در کشورش فلسطین است؛ زیرا عدالت ضامن بقای هستی است. وی به بیان نابرابری‌های موجود در جامعه خود از همان بدو تولد می‌پردازد و این نشان از خفقان شدید در جامعه‌اش است. روح شاعر از جنگ و ظلم‌گريزان است و از اینکه می‌بیند سرزمین مادری‌اش مورد هجوم دشمنان قرار گرفته است و انواع و اقسام شکنجه‌ها در آن وجود دارد و ابرهای ظلمت و بی‌عدالتی بر آن سایه افکنده است، زبان به انتقاد می‌گشاید و از صلابت و استواری خود سخن به میان می‌آورد: «ثَابِتُونَ حَنُّ كَالصَّوَانِ ثَابِتُونَ / فَلَا نَذَلُّ لِحَظَّةٍ وَلَا نَهْوُونَ / وَقَانِعُونَ بِالرَّغِيفِ نَاشِفًا وَلَا نَهْوُونَ» (همان، ج ۴، ص ۳۰۵).

وی در شعر «أغاني الوطن» از تلاش یهودیان برای نابود کردن هویت فلسطینیان سخن می‌گوید. هویت ملی برای یک ملت به منزله روح برای بدن است که فقدان آن منجر به مرگ خواهد شد. هویت ملی هم عامل همبستگی و شکل‌گیری روح جمعی در یک ملت و هم وجه مشخص و معرفه آن در میدان ملل دیگر است:

«يَتَغَيَّرُ شَكْلُ الْوَطَنِ / يَتَغَيَّرُ اسْمُ الْوَطَنِ / وَتَرَابُ الْوَطَنِ فِي دَمِي وَمَلِيحَ وَجْهِي وَلَوْنِي / وَصَوْتُ الْوَطَنِ فِي غِنَائِي وَلَحْنِي / وَلَهُ وَجْهٌ أُمِّي وَوَجْهٌ أَبِي / وَلَئِنْ مَسَّحُوهُ يَظَلُّ هَوَاهُ وَشَمْسُهُ / وَيَظَلُّ تَرَابُهُ لَا يَتَغَيَّرُ / أَنْ أَعِيشَ عَلَى أَرْضِ أَهْلِي وَجَدِّي / وَأَكُلُ مِنْ حُبْزِ أُمِّي وَتَحْضُنُ جِسْمِي...» (همان، ص ۲۱۳).

این شعر تجسم دقیق و تبلور احساس حقارت، ذلت، کینه، خشم و عصیان نسبت به اهانتی است که یهودیان قصد داشتند آن را بر سر ملت مظلوم فلسطین بیاورند. شاعر از هویت فلسطینی خود در برابر تلاش بی‌وقفه بدخواهان و دشمنان که آرزویی جز محو فلسطین از نقشه تاریخ و جغرافیا ندارند، دفاع می‌کند و در مقابل اشغال‌گر به مقاومت و پایداری ادامه می‌دهد. صباغ تمامی عواطف و احساسات خود را در این شعر به کار برده است تا با اشعار مجذوب‌کننده‌اش، ملت‌ها را به مبارزه و وحدت دعوت نماید.

«شاعر مقاومت در اشعار خود چاره‌ای ندارد؛ جز اینکه به روشنگری مبارزه ملت خویش بپردازد. برای همین او به بیان اهداف و انگیزه‌های شرافتمندانه این مبارزه، به توصیف مبارزان و دلورمردی‌های آنان خواهد پرداخت و با به‌تصویرکشیدن صحنه‌های مقاومت علاوه بر اینکه به ستایش مبارزان می‌پردازد، شور مبارزه و دفاع را در مردم برخواهدانگیخت» (محمدی روزبهانی، ۱۳۸۹ش، ص ۱۳۸). و ادبیات پایداری را بدون حضور و نقش مردم نمی‌توان شناخت (خراسانی، ۱۳۸۷ش، ص ۹۳). قیصر نیز مانند صباغ در شعر «شعری برای جنگ» این گونه همگان را به مبارزه و تحدی در راه آزادی دعوت می‌کند: «می‌خواستم / شعری برای جنگ بگویم / دیدم نمی‌شود / دیگر قلم زبان دلم نیست / گفتم: / باید زمین گذاشت قلم‌ها را / دیگر سلاح سرد سخن کارساز نیست / باید سلاح تیزتری برداشت / باید برای جنگ / از لوله تفنگ بخوانم / - با واژه فشنگ - / می‌خواستم / شعری برای جنگ بگویم / شعری برای شهر خودم / - دزفول - / دیدم که لفظ ناخوش موشک را / باید به کار برد» (امین‌پور، ۱۳۹۴ش، ص ۱۳۹).

او اعتقاد دارد که باید قلم‌های شعر را بر زمین گذاشت و سلاح تیزتری همچون تفنگ در دست گرفت. وی با این ابیات بیان می‌کند در راه مبارزه، همه مردم اعم از ادیبان و شاعران و نیز مردم عادی باید بسیج شوند. شاعر بسان یک رهبر انقلابی است که به همگان فرمان نبرد می‌دهد. او همچون عارفی است که پیش از اینکه مردم در فردها، فجایع دردناک جنگ را ببینند با چشم دل، حوادث آینده را در امروز می‌بیند.

شاعر در این ابیات فرهنگ مبارزه در راه آزادی و بیرون‌راندن دشمنان را به قدری لطیف و در عین حال به صورت حماسی به تصویر می‌کشد که در روحیه‌بخشی به رزمندگان در جبهه جنگ، کار صدها انبار مهمات و سلاح‌های جنگ را انجام می‌دهد. او از شهر مظلوم دزفول سخن می‌گوید که آماج موشک‌های دشمن بود. قیصر، تنها راه نجات آن را مبارزه می‌داند:

«برخیز که رنگ خواب را سرخ کنیم / زین و زره و رکاب را سرخ کنیم / تا زرد نبینند بیا از سر عشق / با خون خود آفتاب را سرخ کنیم» (امین‌پور، ۱۳۶۳ش، ص ۷۸).

قیصر در این ابیات ندای مبارزه سر می‌دهد و می‌گوید: خونی که در وجودتان است را در راه آزادی و مبارزه بریزید. او در این ابیات از شدت مبارزه و پایداری سخن می‌گوید که تا سر حد مرگ باید مبارزه کرد؛ به گونه‌ای که سرخی خون حتی آفتاب روشن را گلگون نماید. او با این ابیات عمیق‌ترین و ناب‌ترین احساسات شاعرانه را در بستری از مبارزه و تحدی به نمایش گذاشت.

«سروده‌های دفاع مقدس قیصر، مردم را به دفاع در مقابل ستم و بیداد ظالمان برمی‌انگیزد و تصویری از بیداد زمان را که مبتنی بر آرمان‌ها و اندیشه‌های الهی است، برای هوشیاری و بیداری مردم ترسیم می‌کند» (رحیمیان، ۱۳۸۸ش، ص ۸۶). صباغ و قیصر به صورت مشترک دعوت به مبارزه و وحدت را به عنوان مضمون اصلی شعر خود برگزیده‌اند و هر دو شاعر معتقدند علاوه بر بهره‌گیری از زبان و سلاح

قلم، باید از سلاح آهنین نیز در راه تحقق اهداف بهره‌گرفت، با این تفاوت که صباغ تا پایان عمر خود، ملت فلسطین را به مبارزه دعوت کرد، اما قیصر امین‌پور در دوران دفاع مقدس به این موضوع پرداخت و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به مسائل مهمتری از جمله آرمان‌های شهدا و حفظ آزادی به‌دست آمده پرداخته‌است.

۴-۲- امید به آینده‌های روشن

شاعران مقاومت علی‌رغم درک غربت، جنگ و خونریزی و کشتار، همواره بار مصائب و وقایع جنگ سرزمین خود را به دوش کشیدند. صباغ و امین‌پور در طول دوره‌های زندگی خود مبارزه را به جان خریدند و امید خود را از دست ندادند و این امیدواری در سراسر سروده‌هایشان موج می‌زند. این دو شاعر مقاومت دریافتند که امید ضامن ادامه مبارزه است؛ زیرا عقب‌نشینی هر یک از این شاعران مقاومت، باعث ناامیدی آزادی‌خواهان است.

ادبیات صباغ سرشار از عواطف است. شاعر که مبارزه را تنها راه نجات سرزمین مادری از دردها و رنج‌هایش می‌داند، هرگز ناامید نیست. روح ایستادگی و مقاومت او را وامی‌دارد تا برای آینده این مبارزات سرانجامی خوش توأم با پیروزی را پیش‌بینی کند. شاعر متعهد و وظیفه خود می‌داند که وقتی بر جامعه از نظر شرایط سیاسی و اجتماعی، فضای غم و اندوه حاکم باشد، امید و خوشبینی برای نجات وطن را در مخاطب ایجاد کند. شاخص این آثار بهره‌گیری از نماد طبیعت در شعر برای انتقاد از جامعه مملو از فقر، ظلم، بی‌عدالتی و لبریز از اختناق است: «غداً سوف یطلع فجرٌ بلادی / فتذهبُ ریحُ الشَّتاءِ / ویرحلُّ عن أرضنا اللیلُ یرحلُّ / فی رقص فوق ثراها الضیاء / غداً سوف تبقى به ذی الدیارِ أناشیدُ شعبي.. / و یبقی علی أرضها الصَّامدونُ / غداً سوف یحیی الشیوخُ لأحفادِهِمْ، / بأنَّا زرَعْنَا الوُجودَ / أغانی کفاح وحبُّ / ویدگر جیلٌ لجیلٍ / بأنَّا بنینا لَهُمْ عالمٌ منُ ورودُ / ویقرأ أشعارنا السَّامروُنُ / ویروی أحادیثنا الثائرونُ» (صباغ، ۱۹۹۲م، ج ۴، ص ۲۹۵).

در این شعر «فجر» نماد رهایی، پیروزی و پایان ظلم و انتقام مظلومان از ظالمان و «ریح»، «لیل» و «شتاء» سمبلی برای خفقان و ظلمت و اشغال ظالمان است. در واقع «بذر اولیه ادب مقاومت را ظلم و ستم موجود در جامعه تشکیل می‌دهد» (مصطفوی نیا و دیگران، ۱۳۹۰ ش، ۵۶۹). صباغ که این رؤیایا را به حقیقت نزدیک می‌بیند و تحقق آن را حتمی می‌داند، از افعال مستقبل استفاده می‌کند که دال بر حتمیت دارد. افعال مستقبل در اشعار شاعر، فضای شعر را طوری به یقین نزدیک می‌کند که گویی این پیش‌بینی‌ها امری محقق و بدون شبهه خواهد بود؛ به طوری که کمترین خدشه‌ای بر حتمیت پیروزی پیش‌بینی شده مبارزان که از آنها سخن می‌گوید نمی‌توان وارد ساخت. شاعر معتقد است کشورش در انتظار روزهای روشن و مشتاق پیروزی است و از وضعیت موجود سخت اندوهگین است. بنابراین در برابر ظلمی که متوجه کشورش است، مردم باید با اراده‌های محکم آتش ظلم را خاموش کرده و کشور را از وضعیت بد آن رهایی بخشند: «رُغَمَ الْأَحْزَانِ نَغْيِي / رُغَمَ الطُّغْيَانِ وَقِضْبَانِ السُّجْنِ / نَبْتَسِمُ، نَضْحَكُ، نَبْيِي / فِي أَنْ وَاحِدٍ / رُغَمَ الْأَحْزَانِ نُغْيِي أَشْعَاراً خَضْرَاءَ / وَمُدُّ يَدًا / مِنْ خِلَالِ الْعُتْمَةِ لِلْأَيَّامِ الْبَيْضَاءِ...» (صباغ، ۱۹۹۲ م، ج ۱، ص ۶۶). قیصر امین‌پور همچون صباغ روزنه‌های امید را کشف و به انسان‌ها می‌نمایاند. او هم‌دوش با دیگر مردم، سلاح قلم را علیه دشمنان تیز کرد و با آفرینش آثاری گران‌سنگ، امید به آینده را در دل‌ها برافروخت. او می‌گوید: «... نمرودیان همیشه بکارند / تا هیمه‌ای به حیطة آتش بیاورند / اما / ما را ز آزمایش آتش هراس نیست / ما بارش همیشه باران کینه را / با چترهای ساده عریانی / احساس کرده‌ایم / شولای ما برهنگی است / ما را بجز برهنگی خود لباس نیست / اینک / از ره رسیده‌ایم / با کوله‌بار پر ز امانت / آکنده از طراوت ایمان / همواره در ترنم لبهامان / شیواترین ترانه امید است / ما را هراس قحطی نان نیست» (امین‌پور، ۱۳۶۴ ش، ص ۲۵-۲۴). به اعتقاد شاعر انسان‌های سلطه‌طلب و متجاوز همواره در روزگاران وجود دارند و در سرزمین‌ها، جنگ و خونریزی به راه می‌اندازند، اما ما از این شعله‌های آتش

خوفی نمی‌یابیم. قیصر معتقد است: ما همواره بدون سلاح در برابر دشمن غاصب به‌پاخاسته‌ایم و آنها را از میان برداشته‌ایم. شاعر در پایان از کوله‌باری سخن می‌گوید که از آرمان‌های شهدا آن را به امانت گرفته و سرشار از ایمان و آرامش است. این ایستادگی است که سبب امیدواری گشته‌است. شاعر از گرسنگی‌ها هراسان نیست؛ زیرا در دل او روزنه‌های امید باز شده‌است. قیصر با تأثیرپذیری از دین مبین اسلام، امید به آینده را با معنویت پیوند می‌زند؛ زیرا او در آموزه‌های دینی خود آموخته، ناامیدی از گناهان بزرگ است، به همین دلیل قیصر نویددهنده آینده‌ای روشن برای همه انسان‌های در بند ظلم و استکبار جهانی گردید.

بشارت قیصر از امیدواری به آینده، تنها برای انسان‌های زمان حالش نیست. هر انسانی در هر دوره زمانی با خوانش سروده‌هایش امیدی تازه و نو در جانش می‌نشیند. او در مثنوی «فصل وصل» از دوران اختناق و ظلم و ستم به‌عنوان «فصل کسالت» نام می‌برد که با داستان رهبر آزادی‌خواهان از بین می‌رود:

«دستهایت بوی گندم می‌دهد / بوی یک خرمن تظلم می‌دهد / دارد آن فصل کسالت می‌رود / باز امید اصالت می‌رود / تازه کن آن روزهای خوب را / روزهای خیش و خرمنکوب را / ... سرخ کن یأس سفید یأس را / پاک‌کن گردوغبار داس را / خوشه گندم پس از دی می‌رسد / داس تو افسوس، پس کی می‌رسد؟» (همان، ص ۱۳۸).

شاعر از امیدی به آزادی سخن می‌گوید که در آینده‌ای نه چندان دور، کشورش شاهد آن خواهد بود. او از امام آزادی‌خواهان تمنا دارد که روزهای خوب و خوش را برایشان به ارمغان بیاورد. زمان این آینده برای شاعر نامعلوم است؛ زیرا او پی‌درپی زمان آزادی را از مخاطب می‌پرسد.

همان‌طوری که روشن گشت، هر دو شاعر در اشعار خود از امید به آینده درخشانی سخن گفته‌اند. قیصر و صباغ هر دو از نماد برای بیان معانی بهره گرفته‌اند. در این میان بهره‌گیری از عناصر طبیعی در تعبیر از مضامین سیاه و پلید دوران

خفقان و ستم، یکی از جلوه‌های مشترک میان اشعار دو شاعر است. در شعر قیصر «مُروِد» استعاره از حاکمان ظالم است که با تمام قوا بر روح جان مردم حکومت می‌کنند. هر دو شاعر با وجود پردازش وقایع و توصیف مصیبت‌ها هیچگاه از نیروی امیدبخش غافل نبوده‌اند و همواره در آثارشان با سخنان امیدبخش، مخاطبان را به آمدن روزهای پیروزی‌بخش نوید داده‌اند؛ به طوری که شکنجه و تهدید و زنجیر هیچ‌کدام نمی‌تواند عزم و اراده آنها را در تحقق اهدافشان به تسلیم و سازشکاری با چاپلوسان خونخوار وادار سازد، بلکه برعکس باعث قوی‌تر شدن آنها شده و بر پافشاری و استواری آنها در تحقق آرمان‌های آزادیخواهانه می‌افزاید و بهره‌گیری از نمادهای طبیعی و روشنی که در اشعار آنها متبلور گشته‌است، تقریب و همسویی دیدگاه آنها را در این زمینه بیشتر نشان می‌دهد.

۳- نتیجه‌گیری

بررسی‌ها حاکی از آن است که آزادی‌خواهی و ادبیات مقاومت رابطه تنگاتنگی با یکدیگر دارند؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت آنچه سبب شد مقاومت و آزادی‌خواهی در شعر این دو نمود پیدا کند، مسأله فلسطین و اشغال آن توسط صهیونیست غاصب و همچنین جنگ هشت سال دفاع مقدس ایران است که سمیح صباغ، شاعر معاصر فلسطینی و قیصر امین‌پور، شاعر معاصر ایرانی را واداشت که به حمایت از آزادی سرزمین خود برخیزند. این دو شاعر رهبران ملت‌ها هستند که اشعارشان در بطن خود یک انقلاب را تداعی می‌کند؛ زیرا هدف این دو شاعر، دعوت به مبارزه علیه جور و ستم دشمن متجاوز بیرونی است.

این دو شاعر با وجود همه تجربه‌های شکست، درد و رنج، که بر آنها سایه افکنده بود همواره در پی آزادی بودند و هیچ‌گاه ناامید نشدند؛ زیرا آنها به این باور رسیده‌بودند که آزادی و رهایی دست‌یافتنی است و باید شعرهای خود را با آن عجین‌کنند. آنها در کنار ادبیات مقاومت به بیان جلوه‌های آزادی همچون؛ امید به

آینده، تحقیر کردن دشمنان، دعوت به انقلاب و مبارزه و شهادت در راه آزادی و رهایی روی آوردند.

شاخصه مقاومت در اشعار این دو شاعر، فریاد به‌تنگ‌آمدگان از بیدادگران زمان است. نزدیکی اندیشه این دو شاعر در باب آزادی‌خواهی و مقاومت کاملاً آشکار است. اما گاه به‌دلیل مسائل سیاسی و اجتماعی خاص حاکم بر جامعه آنها، تفاوت‌هایی احساس می‌شود؛ چرا که طولانی‌شدن مسأله فلسطین سبب شد که صباغ بیشتر از مسأله آزادی و رهایی سرزمینش سخن بگوید و مجالی برای سرودن در باب آزادی معنوی و رهایی از قید و بند دنیوی نداشته‌باشد، اما در سروده‌های قیصر هر دو مورد به وضوح آشکار است؛ چرا که او بعد از جنگ فرصتی‌یافت که به آزادی معنوی و رهایی از تعلقات دنیوی بپردازد. شخصیت‌های شعری صباغ بیشتر قهرمانان ملی فلسطین چون عزالدین قسام هستند و کمتر شاهد به‌کارگیری اسطوره‌های تاریخی و جهانی هستیم؛ اما قیصر برخلاف وی بیشتر از شخصیت‌های اسطوره‌ای و نمادین چون امام حسین و حضرت مسیح (ع) و ... بهره گرفته است. علاوه بر این موضوع، در شعر امین‌پور، برخلاف صباغ بهره‌گیری از نمادهای تاریخی و دینی در ترسیم جلوه‌های مبارزه علیه بیداد و استبداد زمانه، نمود بیشتری دارد.

یادداشت‌ها

۱. ای دوستان راه شما / پیام‌آوران وطن به تمامی ملت‌ها هستید / و به تمام نواحی زمین / شما یاوران تمامی مظلومان هستید / و با وفادارترین دوستان در هنگام گرفتاری و سختی.
۲. خون‌های برادران شهیدمان فریاد می‌زنند / من فریادهای خشم را می‌شنوم / از بین نرفته، پنهان‌نشده / من می‌بینم طوفان‌وار مانند باد وارد همه شهرهایمان می‌شوند / ما را بیدار می‌کند / و تمامی خونخواران را می‌راند /

ای ارواح شهیدان پاک / ای ارواحی که خاموش نشدند / و در کالبدهای دیگر ساکن شدند / در تو و در من قرار گرفت.

۳. ای احمد ما نیامدیم تا بر تو گریه کنیم / ای احمد برخیز و ببین / که تو الان تنها نیستی، تو الان بی سلاح نیستی / هزاران نفر از مردم در اطرافت از شدت کینه در حال انفجار هستند / این هزاران نفر از تمامی تفنگ‌هایشان قوی‌تر هستند / از تمامی باتوم‌های پلیس فاشیست و از ابزارهای سرکوب / ای احمد آیا صدای مرا می‌شنوی؟ / من اعضایت درحالی‌که تا الان در بستر آرام نبودند می‌بینم / من آن را در رحم زنان کشورمان می‌بینم / من او را می‌بینم در پهلوی همه مردان آینده / من می‌دانم که آن را روزی خواهیم دید / بعد از ماه‌ها یا بعد از سال‌ها / در قالب کودکانی انقلابی.

۴. دسته‌هایی از گرگ‌های ولگرد در دشت‌هایی از عسل و شیر / بین باغ‌های کنعانیان / با صاحب زیتون می‌جنگند و زیر سایه حمایت ارتش و قانون هستند.

۵. باد و امواج به کشتی می‌وزد / و دزدان از هر سوء در اینجا حضور یافته‌اند / برای ملوان چیزی جز تکه‌های شکسته دکل و بازوی خسته و ناتوان باقی نمانده است / برای ملوان چیزی جز مرگ در گرداب دریاها به‌عنوان خوراک ماهیان باقی نمانده است / یا اینکه بر روی سطح دریاها حرکت کند.

۶. ای ملت... ای ملت بی‌سلاح که جز / چاقوی کلمه و فریاد و آگاهی برتر- غالب- سلاحی ندارد... / من بمب دستی هستم در برابر متجاوزین قاتل / دشمنان انسانیت و دشمنان آزادی / از تاریکی غصه‌ها برخیز... / پس بالا بگیر، دستانت را در برابر چهره دشمن / ای ملت بالا ببر، مشت فولادیت را بالا ببر / که مانند چکشی در صورت خونخوار - اسرائیل- است / این سرزمین آتشفشان خشم است / این سرزمین جهنم سرخ و دشمنان هیزم آن هستند /

هر کس که حتی خواب ببیند که خانه‌ای روی خاک وطنم بنا کند / آن را زیر خاک قرار می‌دهم.

۷. ما پایدار هستیم و مانند سنگ گرانیت محکم و استواریم / و لحظه‌ای خوار و ذلیل نمی‌شویم / به تکه نانی خشک قانع هستیم؛ ولی ذلت نمی‌پذیریم.

۸. شکل وطن تغییر می‌کند / اسم وطن تغییر می‌کند / درحالی‌که خاک وطن در خون و شکل صورتم و رنگ پوستم است / و صدای وطن در آواز و سروده‌ام است. او دارای چهره‌ای شبیه مادر و پدرم است / هر چند که در صدد نابود کردنش باشند همچنان هوا و خورشید و خاکش بدون تغییر باقی‌می‌ماند / من بر خاک خانواده و جدم زندگی می‌کنم و از نان مادرم می‌خورم درحالی‌که او جسمم را در آغوش می‌گیرد....

۹. فردا خورشید کشورم طلوع خواهد کرد / پس باد زمستانی می‌رود / و شب از سرزمین مان کوچ می‌کند رخت برمی‌بندد / و نور و روشنایی بر خاکش می‌رقصد / فردا آوازه‌های ملت‌م بر این دیار باقی خواهد ماند... / و افراد پایدار و مقاوم بر زمینش باقی‌می‌مانند / فردا سالمندان برای نوه‌هایشان نقل می‌کنند که / ما در هستی ترانه‌های مبارزه و عشق را کاشتیم / نسل اندر نسل یاد می‌کنند / که برایشان جهانی از گل‌ها بنا کردیم / شب‌زنده‌داران شعر ما را می‌خوانند / و انقلابیون داستان‌های ما را روایت می‌کنند.

۱۰. با وجود غصه‌ها ترانه می‌خوانیم / با وجود ظلم و بیداد و میله‌های زندان / تبسم می‌کنیم، می‌خندیم، گریه می‌کنیم / هم زمان / و علی‌رغم اندوه‌ها اشعاری سبز می‌خوانیم / و از میان تاریکی‌ها به سوی روزهای روشن دست دراز می‌کنیم.

منابع

قرآن کریم

۱. امین پور، قیصر، (۱۳۶۳ هـ.ش)، در کوچه آفتاب، تهران: نشر سروش.
۲. (۱۳۶۴ هـ.ش)، تنفس صبح، چاپ دوم، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
۳. (۱۳۹۴ هـ.ش)، گزیده اشعار قیصر امین پور، چ ۲۳، تهران: مروارید.
۴. بختیاری، فاطمه، (۱۳۸۸ هـ.ش)، ادبیات مقاومت ایران و فلسطین در شعر محمود درویش و قیصر امین پور، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۵. بهبودی، هدایت الله، (۱۳۷۳ هـ.ش)، ادبیات انقلاب (مجموعه مقاله‌های سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی)، چ ۱، تهران: سمت.
۶. پاژو، دانیل هنری، (۱۹۹۴ م)، الأدب العام و المقارن، ترجمه: غسان السید، دمشق: اتحاد کتاب العرب.
۷. الحسین، قصبی، (۱۹۷۲ م)، الموت والحياة في شعر المقاومة، ط ۱، بیروت: دارالرائد العربي.
۸. حطیط، کاظم، (۱۹۹۹ م)، الاتجاهات الجديدة في الشعر العربي المعاصر، ط ۱، بیروت: مؤسسه نوفل.
۹. خراسانی، احمد، (۱۳۸۷ هـ.ش)، نامه پایداری: مجموعه مقالات اولین کنگره ادبیات پایداری، تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس.
۱۰. خضر، عباس، (۱۹۶۸ م)، أدب المقاومة، القاهرة: دارالكتاب العربي.
۱۱. درگاهی، زین العابدین، (۱۳۸۷ هـ.ش)، «آزادی در سروده‌های قیصر امین پور»، ماهنامه‌ی کتاب ماه ادبیات، ش ۲۳، صص ۲۰۱-۲۲۲.
۱۲. درویش، محمود، (۱۹۶۴ م)، أوراق الزيتون، حیفا: مطبعة الاتحاد التعاونية.

۱۳. رحیمیان، افسانه، (۱۳۸۸هـ.ش)، «تأملی بر شعر و شاعری در دوره دفاع مقدس»، رهیافت انقلاب اسلامی، ش ۱۱، صص ۹۶-۸۳.
۱۴. روشنفکر، کبری؛ و کبری ذوالفقاری، (۱۳۹۰هـ.ش)، «بررسی تطبیقی ژرف اندیشی در شعر محمود درویش و قیصر امین‌پور» فصلنامه نقد و ادبیات تطبیقی، شماره ۲، صص ۱۳۰-۹۹.
۱۵. سلیمان، خالد، (۱۳۷۶هـ.ش)، فلسطین و شعر معاصر عرب، چاپ اول، تهران: چشمه.
۱۶. السلیمانی، أحمد، (۲۰۰۷م)، «تقنيه القناع الشعري»، مجله غیمان (صنعاء)، العدد ۳، صص ۴۶۸-۵۰۸.
۱۷. سنگری، محمدرضا، (۱۳۸۹هـ.ش)، ادبیات دفاع مقدس (مباحث نظری و شناخت اجمالی گونه‌های ادبی)، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۱۸.، (۱۳۸۰هـ.ش)، نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس، چ ۱، تهران: پالیزان.
۱۹. شرکت‌مقدم، صدیقه، (۱۳۸۸هـ.ش)، «تطبیقی مکتب‌های ادبیات»، مجله مطالعات تطبیقی، ش ۱۲، صص ۷۱-۵۱.
۲۰. صباغ، سمیح، (۱۹۹۲م)، الأعمال الشعرية الكاملة، لا مكا، لانا.
۲۱. عبود، عبده، (۱۹۹۹م)، الأدب المقارن (مشكلات و آفاق)، ط ۱، دمشق: اتحاد الكتاب العرب.
۲۲. عبیات، عاظمی و شیما فاضلی، (۲۰۲۲م)، «جلوه‌های پایداری در رمان‌های شرق آفریقا؛ نمونه مورد مطالعه رمان عطر البارود (رایحه باروت)»، مجله الدراسات الأدبية في اللغة العربية والفارسية وتفاعلهما، ش ۱۰۴، صص ۱۰۳-۱۳۷.
۲۳. علوش، سعید، (۱۹۸۷م)، مدارس الأدب المقارن؛ دراسة منهجية، ط ۱، بیروت: مركز الثقافة العربية.

۲۴. محمدی روزبهانی، محبوبه، (۱۳۸۹هـ.ش)، قسم به نخل، قسم به زیتون (بررسی تطبیقی شعر مقاومت ایران و فلسطین)، چ ۱، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۲۵. مسگری، نسرین، (۱۳۹۲هـ.ش)، ادبیات پایداری و بازتاب آن در شعر سمیح صباغ، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۲۶. مصطفوی نیا، سید محمد رضا؛ و محمودرضا توکلی؛ و قاسم ابراهیمی، (۱۳۹۰هـ.ش)، «مقاومت در شعر توفیق امین زیاد»، نشریه ادبیات پایداری کرمان، ش ۳ و ۴، صص ۵۶۵-۵۸۸.
۲۷. ناصری، ناصر؛ و فریبا ساعی‌پور خدادادی، (۱۳۹۳هـ.ش)، «بررسی تطبیقی ادبیات مقاومت در اشعار محمود درویش و قیصر امین‌پور»، بهارستان سخن (فصلنامه علمی-پژوهشی ادبیات فارسی)، ش ۲۶، صص ۱۲۰-۱۰۱.